

بزرگ انسانی در عرصه مدیریتی و اداری دانست.

شدت خلوص و مجاهدت شبانه‌روزی در کنار فرار از شهرت بدون معذوریت امنیتی باعث شد که ایشان تا زمان فوت در سال ۹۶ گمنام باقی بمانند و این کتاب بلافاصله پس از فوت ایشان در دستور تدوین قرار گرفت و پرده از مجاهدت ایشان در دوران‌های سخت بعد انقلاب در عرصه مدیریت و اداره کشور به‌ویژه اداره معیشت مردم و وضعیت اقتصادی کشور در دوران‌های سخت برمی‌دارد.

چگونگی رویش خالدي‌ها

روایت‌های جذاب و متنوعی از شدت پاک دستی، قاطعیت، پاک دستی، منش اجتماعی و اداری، روش و منش مدیریتی علمی و اقتضایی، فضیلت‌های اخلاقی ایشان در جای‌جای کتاب بیان شده است که خوانندگان کتاب را شیرین می‌کند. نحوه مدیریت ایشان به‌عنوان یک نمونه مدیریت اداری بومی مؤثر و کارآمد باید در علوم اجتماعی و رشته‌های مدیریت تجزیه و تحلیل شود و به تجلیل اکتفا نکرد.

یکی از مسائل مهمی که از دل این‌گونه کتاب‌ها و بررسی‌ها باید استخراج شود این است که نحوه رویش خالدي‌ها و منش و روش ایشان نباید شخصی قلمداد شود و باید منش و روش ایشان در مدیریت به ساختار و قاعده امور تبدیل بشود و در اصلاح بوروکراسی استفاده شود و به‌طورکلی و ساختاری، عرصه مدیریت دولتی تا حد امکان به‌گونه‌ای طراحی شود تا مخلصین که طمع قدرت و ثروت ندارند به مناسب مدیریت در جمهوری اسلامی برسند؛ یعنی طراحی سیستم اداری و مدیریتی بر مبنای جذابیت زدایی، امتیاز زدایی، اشرافیت زدایی و رانت

زدایی از مناصب دولتی؛ که هر کس به طمع کسب ثروت از سمت اداری و بخش دولتی باشد ناامید و در بخش خصوصی انگیزه و تلاش خود را متمرکز کند.

مدیریت، نه ریاست

ایران کشوری کهنی است لذا عرف به‌عنوان عادت اجتماعی کهن و فراگیر و مستحکمی دارد. عرف‌های اجتماعی مانند ایل و طایفه‌گرایی، فامیل و خویشاندگرایی، قومیت‌گرایی، گروه و رفیق‌گرایی و اصالت رفاقت و قومیت... که در عرصه روابط شخصی و ممدوح است اما در عرصه عمومی و اداره کشور و ارائه خدمات، منجر به فساد و تبعیض و ناکارآمدی می‌شود. تحقق انقلاب اسلامی در عرصه دولت‌سازی اسلامی نیازمند انسان انقلابی است که در مقابل انتظارات و توقعات عرفی جامعه و عرفی مسئولان و فضا‌های اداری و اشرافیت، استفاده از قدرت نفوذ و رابطه و شبکه‌سازی و شهرت‌طلبی و ثروت‌اندوزی از رانت‌ها و فرصت‌ها مقاومت کند.

متأسفانه با درجات مختلفی عرف مدیریت اداری بیش از آنکه مدیریت باشد، ریاست است. مدیریت و طرح و برنامه کوتاه‌مدت، سلیقه‌ای و خودپسند نه علمی و جمعی، سنگین و کم‌تحرک و در بند منزلت و تفاخر و پرستیژ، اتلاف وقت و منابع و انرژی و حاشیه‌زیاد (ساعت‌ها شرکت در همایش‌ها، آیین‌ها و مراسمات و جلسات تجلیلی و رفت و آمد و بازدیدهای هماهنگ شده و...) کم‌توجه به جزئیات، کم‌توان در حل مسئله پایدار و ریشه‌ای، شهرت‌طلب و امتیاز طلب، حل مسئله نفتی و بودجه‌ای به‌جای تجزیه تحلیل مسئله و ابتکار و خلاقیت و بازاریابی نیروها و منابع و وقت گذاشتن و تمرکز شدید بر مسئله و چالش و... همچنین صدرنشینی و برتری در سلسله‌مراتب اداری که در ترکیب با عرف اجتماعی فرهنگ فنودالی ایرانی، فرد را مستعد بیدار شدن خوی برتری‌طلبی و ریاست‌طلبی و اشرافیت ذهنی و رفتاری می‌کند.

همچنین مقام ریاست، سفره‌زنگینی ایجاد می‌کند اعم از امکانات و فرصت‌ها و رانت‌ها و... لذا اندوخته خودسازی و تربیت اسلامی

”
بزرگ‌ترین
دست‌آورد انقلاب
اسلامی شهید
سلیمانی‌ها
و حججی‌ها
و باقری‌ها و
میرحسینی‌ها
و احمدی
روشن‌ها و
آشتیانی‌ها و
خالدي‌ها از
دور افتاده‌ترین
روستاها و
شهرستان‌ها تا
جای‌جای کشور
هستند که
در بزنگاه‌های
تاریخی وارد
عرصه خدمت
و مجاهدت
شدند و نبوغ
و استعداد و
غیرت خود را
در راه اعتلای
میهن اسلامی
خود به کار
بستند

